

دکتر فریدون وهمن
استاد ادبیات فارسی
دانشگاه کپنهاک
نویسنده مقاله

آرتور کریستنسن*

ایران شناس و ایران دوست دانمارکی

در عالم ایران شناسی کشور کوچک دانمارک، این سرزمین دوردست شمالی تاکنون جا و رسالتی خاص داشته است. ایران شناسان این کشور در تحقیق زبانها و لهجهها و فرهنگ و تاریخ کشور ما راههای دراز سپرده و به نتایج گرانبها رسیده اند. تاریخ حیات آنان مشحون از شجاعت و پی جوئی و پشتکار و نموداری از عشق به علم و تحقیق است. گاهی آنان را در دهات ایران قرن هجدهم و نوزدهم اسپرتب و مالاریا می بینیم، زمانی آنها را دنبال کاروانها در جاده های بی انتها در پی کشف وضبط لهجه ای می یابیم، وقتی کشتی آنها را غرقه در طوفان یا کاروانشان را دستخوش هجوم دزدان مشاهده می کنیم. اما این سختی ها هرگز پای امید از آنان نبرید. راسموس راسک^۱ (۱۸۳۲-۱۷۸۲م) که ماهها در شیراز در تب سل می سوخت در زمان خود مهمترین نظریه را درباره زبان اوستائی و قدمت و صحت آن عرضه داشت و در خواندن خطوط میخی نظریات صائب و معتبر ابراز نمود. وسترگورد^۲ (۱۸۷۸-۱۸۱۵) که در اصفهان حتی تا دم مرگ هم رسید به گنجینه دست نوشته ها و متون پهلوی و اوستائی که راسک از هند و ایران جمع آوری کرده بود افزود. در سال ۱۸۵۱ برای نخستین بار بند هس را منتشر کرد و بدنبال سالها مطالعه و تحقیق مجموعه گرانبها و بی نظیری از متون اوستائی با ترجمه و فرهنگ لغات و گرامر در کپنهاک به طبع رساند. تمام حروف این کتاب که شامل چندین هزار کلمه اوستائی است در کپنهاک زیر نظر او ریخته شد و دقت و پاکیزگی و صحت متن این کتاب سالهاست که مورد تمجید و تحسین محققین این رشته می باشد.

* Arthur Christensen

1- Rasmus Rask

2- N. I. Westergaard



Arth. Christensen.

کریستن سن مستشرق معروف دانمارکی

اما ایران شناسی که بیش از همه به زمان ما نزدیک بود و دانش وسیع او حد و مرزی نمی شناخت آرتور کریستن سن بود. وی از زمانی که با درین میدان گذاشت تا روزی که دیده از جهان بریست با اندیشه موشکاف و فکر قوی و نبوغ ذاتی خود اوقات و ایام حیاتش را وقف ایران کرد. حقایق فراوانی در زمینه های تاریخ و فرهنگ و زبان ما از پس پرده تاریکی و گمنامی بیرون کشید، در هر رساله و کتابی که نگاشت مطلبی تازه، کشفی جدید، و نظریه ای نو ارائه داد و افقی تازه و روشن، در همه زمینه های ایران شناسی در برابر دیدگان محققین این رشته گشود.

آرتور کریستن سن در ۹ ژانویه ۱۸۷۵ بدنیا آمد. پدرش در پستخانه مدیر اداره ای بود و مادرش بانویی بود فعال و پرکار که همه امور خانه را می چرخاند. وی تنها فرزند پدر و مادر بود اما یکی یکدانه بار نیامد. از روزی که درسین کودکی اولین آشنائی او با کتاب آغاز شد تا هنگامی که آخرین نفس را بر کشید کتاب از دستش نیفتاد. می گویند مادرش اغلب مجبور می شد کتاب را از دست او بگیرد و وی را به پیاده روی و هواخوری ببرد. محیط آرام خانه و مطالعه کتب بزودی شخصیت خاصی در وی پرورش داد و از همان کودکی مسیر زندگی او را تعیین کرد. در انشائی که در سیزده سالگی در مدرسه نوشت آرزو کرد که زبان شناس شود و علاوه بر زبان های اسلامی و شرقی در ترانه های عوام و فرهنگ ملی مردم شرق مطالعاتی نماید. بعدها بارها اظهار می داشت که خواندن هزار و یکشب در ایام کودکی تأثیر شگرفی در ایجاد علاقه او به اینگونه مطالعات داشته است. به علاوه قسمت اعظم مطالعات او را آثار ادبی کلاسیک فرانسه و تاریخ فرانسه قرن هیجدهم تشکیل می داد. در سال ۱۸۹۳ دبیرستان را با تمام رساند. پدر و مادرش میل داشتند که وی تحصیل حقوق نماید اما یکی از دوستان پدر که به استعداد او پی برده بود آنها را وادار نمود که آرتور کریستن سن را به میل خود گذارند تا در رشته دلخواهش به تحصیل پردازد.

آرتور کریستن سن به تحصیل زبان فرانسه و لاتین و تاریخ پرداخت و در عین حال ساعاتی در هفته به تدریس اشتغال ورزید و آنچه ازین راه بدست می آورد تا آخرین شاهی پس انداز می نمود تا بعدها بتواند روی پاهای خود بایستد و در تحصیلاتش معطل نماند. این خوی صرفه جوئی شدید تا آخر عمر با او همراه بود زیرا از همان اوان جوانی دریافته بود که لازمه احراز استغناء معنوی و روحی، استقلال مالی و اقتصادی است. درین احوال علاقه کریستن سن به مطالعات ایرانی بیشتر و بیشتر می شد. با آنکه راسک و دستر مورد سالها قبل با مطالعات و کوششهای خود توجه دانشمندان دانمارکی و مقامات دانشگاه کپنهاک را به اهمیت این رشته برانگیخته بودند اما هنوز دانشگاه کپنهاک رشته خاصی برای مطالعات ایرانی نداشت. اوستائی گاهی تعلیم داده میشد و زبان فارسی جزئی از برنامه عربی بود. بهلوی هر گز نه معلمی داشت و نه شاگردی و دانشجوی این رشته می بایست خود مستقلاً به مطالعات لازم بپردازد.

کریستن سن به تحصیل فارسی و عربی و سانسکریت و ترکی پرداخت. از میان معلمین دانشگاه کپنهاک یوهانس استروپ ۱ که سالها در مصر و سوریه سفر کرده و با زندگانی مردم شرق آشنائی نزدیک داشت به وی عربی تعلیم می داد و او بود که به استعداد شگرف شاگرد جوان خود پی برد. اوستروپ ساعتها از تجربیات و خاطرات غنی خود از شرق بنا کریستن سن



منظره عمومی شهر کپنهاگ

گفتگو می‌کرد و علاقه و کشش او را به مطالعات شرقی بیش از پیش برمی‌انگیخت .
 کریستن سن هنوز دانشگاه را با تمام نرسانده بود که نخستین رساله‌اش را تحت عنوان
 « رستم بهلوان ملی ایران » (۱۸۹۸) منتشر کرد سپس مقاله دیگری بنام « افسانه‌ها و روایات در ادبیات
 فارسی » (۱۸۹۹) نشر داد و با این دو مقاله و مقالات متعدد دیگری که درین زمینه نوشت آگاهی
 و تسلط خود را به ادبیات فارسی نشان داد . بلافاصله پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی شروع
 به جمع‌آوری مواد جهت رساله دکتری خود که تحقیقی در آثار و اشعار عمر خیام نیشابوری بود
 نمود . در همین احوال با بورسی که دولت فرانسه در اختیارش گذاشته بود در جستجوی نسخ
 خطی آثار خیام خود را به کتابخانه‌های لندن و پاریس رساند و در همین سفر در اسپانیا برای
 نخستین بار با بقایای تمدن شرقی و اسلامی آن کشور روبرو شد .

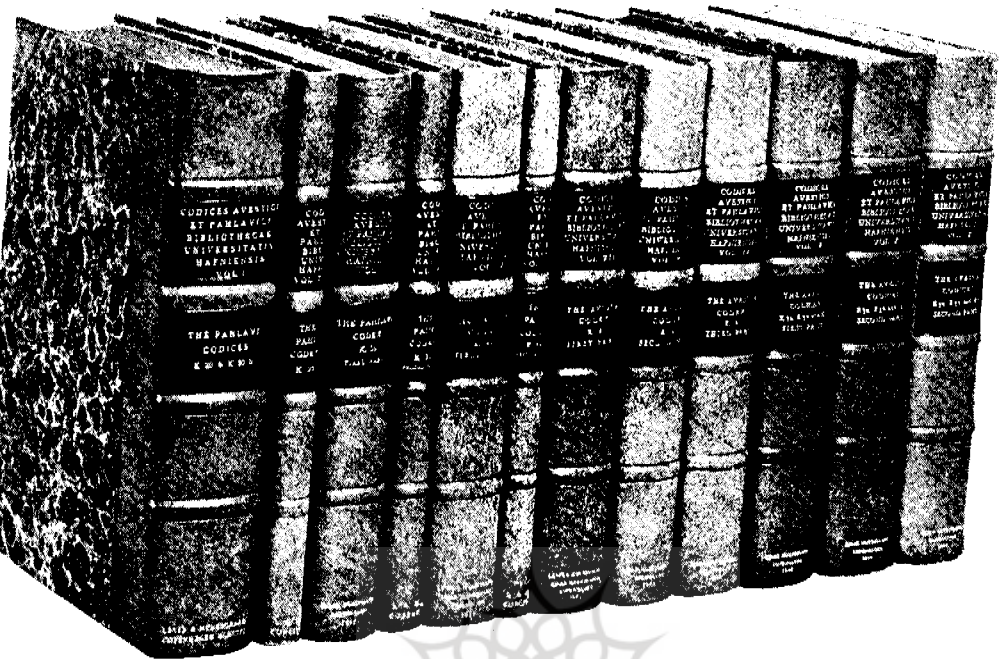
در سال ۱۹۰۲ سفری به برلن نمود و در همینار زبانهای شرقی با ف . سی . آندراس
 ایران شناس مشهور آلمانی آشنا شد . این آشنائی به دوستی و رفاقتی پایدار کشید که تا
 درگذشت آندراس در سال ۱۹۳۰ دوام داشت . آندراس بدون تردید یکی از مطلع‌ترین و
 برجسته‌ترین ایران شناسان ایام خود بود . وی بر اثر سالها اقامت در ایران فارسی را بخوبی
 صحبت می‌کرد و با همه طبقات ، از درباری گرفته تا مردم عوام آشنائی نزدیک داشت و مواد
 و مطالب بسیاری از لهجه‌های ایرانی و مسائل مربوط به مردم شناسی و فولکلور ایران جمع
 آوری کرده بود . اما آندراس بسختی و زحمت قلم بر روی کاغذ می‌آورد و کلاس درس مرتبی



ساختمان قسمت شرق‌شناسی دانشگاه کپنهاگ که موسسه مطالعات ایرانی و کتابخانه کریستن‌سن نیز در آن قرارداد. سرپرست این مؤسسه پروفیسور ج. پ. آسموسن ایران‌شناس دانشمند و پرکارست که تاکنون تألیفات متعدد در زمینه زبانها و ادیان و تاریخ باستانی ایران داشته است.

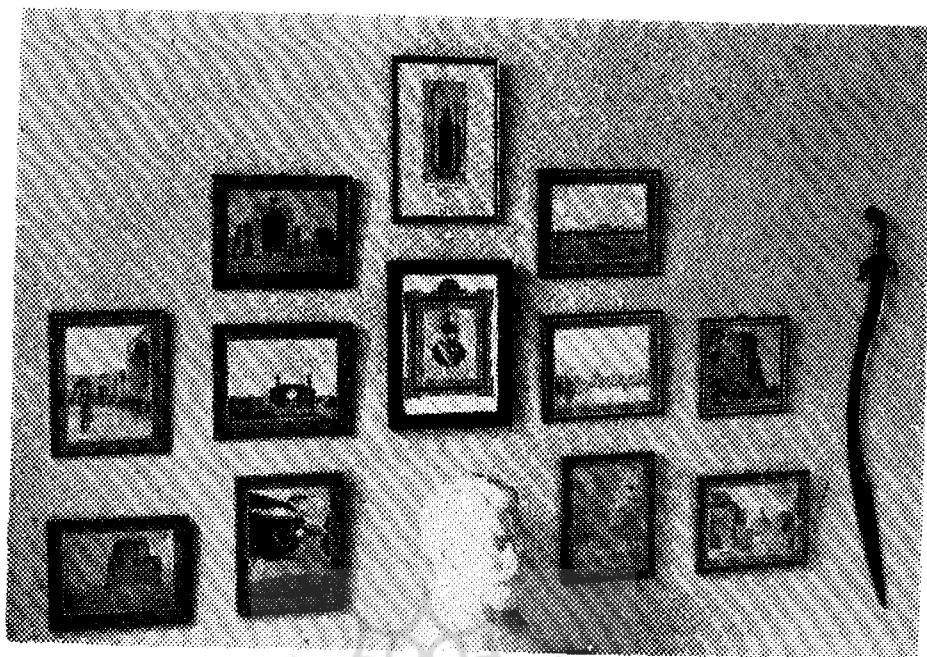
هم دایر نداشت و اگر کسی می‌خواست از خرمن دانش وسیع او خوشه بپندوزد می‌بایست شخصا مصاحبت او را بجوید و درینگونه موارد، در منزل او بر روی دانشجویان و محققین باز بود. آرتور کریستن‌سن همواره با قدردانی و سپاس از ساعات گرانبهائی که در حضور آندرس گزدرانده بود یاد می‌کرد. از لحاظ طبع و سلیقه این دو ایران‌شناس در دو جهت مخالف قرار داشتند. آندرس در ابراز عقاید خود دربارهٔ مبهمات زبانها و لهجه‌های ایرانی بی‌باک و قاطع بود آنچه استنباط می‌کرد به عنوان حقیقتی مسلم ارائه می‌داد. حال آنکه کریستن‌سن باروش خاص احتیاط‌آمیز و محافظه‌کار خود برای قبول آن نظریات بدنبال دلائل و احتیاجات علمی می‌گشت و آنقدر می‌کوشید و تحقیق می‌کرد تا سرانجام موفق می‌شد برای نظریاتی که آندرس ابراز داشته بود دلائل متقن و کافی بیابد.

پس از بازگشت از برلن، آرتور کریستن‌سن رسالهٔ دکترای خود را که تحقیقی ادبی و تاریخی دربارهٔ عمر خیام بود به پایان رساند و آنرا در سال ۱۹۰۳ با درجهٔ ممتاز گذراند. در سال ۱۹۱۶ با همسر خود ازدواج کرد و تا پایان عمر زندگی آرام و پرعلاقه‌ای را با وی گذراند. تا سال ۱۹۱۹ که موقعیت برای تأسیس کرسی مستقل زبانهای ایرانی در دانشگاه



دست نوشته‌های گرانبهای اوستائی و پهلوی در کتبخانه سلطنتی کپنهاگ شامل قدیمی ترین و بهترین متون موجود بدین دوزبان است. قسمت بزرگ این مجموعه در مسافرت‌های پر مشقت راسموس راسک و وسترگورد زبان‌شناسان دانمارکی به ایران و هند جمع‌آوری شده و نظر به اهمیت آن کنکره شرق‌شناسان منعمده در آتن در سال ۱۹۱۲ جزء قطب‌نامه خود انتشار آنرا توصیه کرد. پس از سالها کوشش سرانجام در سال ۱۹۴۴ طبع عکسی این مجموعه گرانبها زیر نظر کریستن سن و کای بار در ۱۲ مجلد بزرگ (عکس بالا) پایان یافت و این گنجینه پر ارزش در دسترس زبان‌شناسان سراسر جهان قرار گرفت.

کپنهاگ فراهم آمد ایام کریستن سن به مطالعه و تدریس و نگاشتن کتب و مقالات مختلف می‌گذشت. در رساله دکترای خود که نقد و تحقیقی بر رباعیات عمر خیام است وی صحت انتساب بسیاری از رباعیات را به خیام مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که آنموقع از رباعیات خیام در اروپا در دست بود شامل ۱۵۸ رباعی می‌شد حال آنکه نسخه متأخر بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ رباعی داشت. باز شناختن این رباعیات و تشخیص اصالت آنها کار ساده‌ای نبود. آرتور کریستن سن با توجه باین مطلب که شعر رباعی در ادبیات عامه ایران مبین حالات و کیفیات روانی و درونی مردمی است که آنرا سرآمیده و خواننده‌اند به تجزیه و تحلیل رباعی‌ها از لحاظ روان‌شناسی پرداخت و بر این مینا در سال ۱۹۰۴ رساله

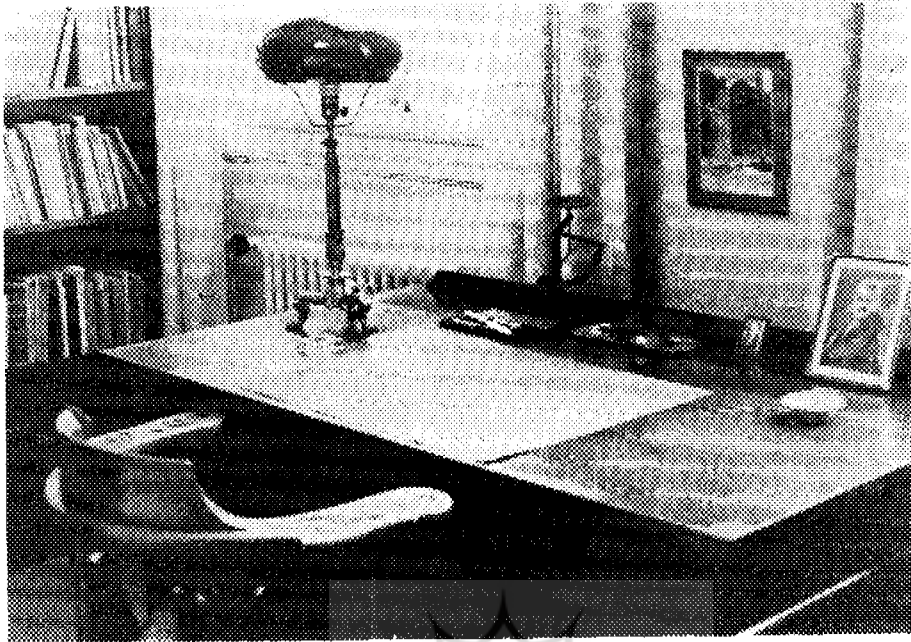


درمؤسسه مطالعات ایرانی دانشگاه کپنهاگه اطاقی به یاد کریستن سن اختصاص داده شده و میز کار و صندلی و کتب مربوط به فولکلور و عکسهائی که وی در اطاق کار خود داشت در آن بهمان ترتیب نگاهداری میشود. این عکسها شامل تصاویر مستشرقین و فلاسفه شرق و غرب و مناظری از ایران است. در وسط عکس سمت چپ تصویری از اعلیحضرت رضاشاه کبیر که کریستن سن آنرا نیز همواره در اطاق کار خود داشت دیده میشود.

خود را با تجدید نظر به زبان فرانسه منتشر کرد. اما بدین قانع نشد و دنباله مطالعات را برای تشخیص رباعیات اصیل خیام از آنچه بدو منتسب است ادامه داد تا آنکه در سال ۱۹۲۷ کتاب دیگری بنام «نقد بر رباعیات عمر خیام» منتشر ساخت. درین کتاب جدید وی طریق دیگری برای تشخیص صحت رباعیات خیام ارائه نمود. بدین ترتیب که رباعیات نسخ و دست نوشته‌های قدیمی را بدون توجه به ترتیب رباعی در گروههای مستقل و درعین حال مشترك باهم تقسیم کرد و رباعی‌هایی را که در گروههای مختلف تکرار می‌شدند حذف نمود و بدین ترتیب موفق شد ۱۲۱ رباعی که احتمال اصالت و انتساب آنها به خیام بیشتر از بقیه رباعیات بود انتخاب کند.

1- Recherches sur les Rubā'iyāt de Omar Hayyām Carl Winter ; 1904 .

2- Critical Studies in the Ruba'iyat of, Omar - i - Khayyām A revised Text with English Ranslation .



میز کار و چراغ مطالعه کریستنسن

هم زمان با مطالعه بر روی این رباعیات وی موفق به انتشار مقالات متعددی در زمینه ادبیات و فرهنگ ایران شد و در سال ۱۹۰۶ کتاب «شعرا و فلاسفه اسلامی» را که تحقیقی در احوال و آثار ابوالعلاء معری، ابن سینا، ناصر خسرو و سعدی است منتشر کرد.

در این موقع با ترجمه‌ای که نولدکه ایران‌شناس بزرگ آلمانی از تاریخ طبری بعمل آورد توجه کریستنسن به مطالعه درباره ایران قرون وسطی و تاریخ زمان ساسانیان جلب شد. از آنجا که از عهد ساسانیان مدارک و مآخذی بجا نمانده کریستنسن اساس مطالعات خود را بر اقوال مورخین ایرانی و عرب و متون پهلوی قرار داد. در سال ۱۹۰۷ رساله‌ای تحت عنوان «رمان بهرام چوبینه» منتشر کرد؛ درین رساله وی با استفاده از شاهنامه و سایر مآخذ بعد از اسلام، تمامی داستان بهرام چوبینه رئیس خانواده مهران را که به مخالفت با پادشاه زمان برخاسته بود بنا کرد و در آن نحوه زندگی و آداب خانواده‌های اشرافی ایران قرون وسطی را بررسی و تحقیق نمود در همان سال نتیجه تحقیقات وسیع و جامع خود را در مورد ساسانیان طی کتابی بنام «امپراطوری ساسانیان، مردم، حکومت، و درباره» انتشار داد. این کتاب در محافل ایران‌شناسی آنروز با استقبال فراوان روبرو شد در سال ۱۹۲۵ با مطالعه دقیق و گسترده سنن و روایات تاریخی وی کتاب دیگری درباره زندگی قباد اول پادشاه ساسانی (۵۳۱ - ۴۸۸) و رابطه او با مزدک منتشر ساخت.

1- Theodor Noldeke

2- L'empire des Sassanides ' le peuple, l'état, la cour